

# امنیت زنان زیر سایه سنگین سیاست

با نامه رئیس‌جمهور به رئیس مجلس، لایحه حمایت از زنان در حالی به طور رسمی پس گرفته شد که تصویب چنین لایحه‌ای در حوزه زنان و خانواده ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است



رسانه‌ای شد و می‌رفت تا این لایحه در صحن علنی مجلس مطرح و به ایستگاه پاپی خود نزدیک شود، در کمال ناباوری زهرا بهروز آذر، معاون زنان و خانواده رئیس‌جمهور از استرداد این لایحه به دلیل آنچه وی تغییرات ماهوی می‌خواند، خبر داد! استردادی که البته بنا بود در جلسهای با بهارستانی‌ها حل و فصل شود و لایحه دوباره در مسیر خود قرار گیرد، اما ۱۱ خرداد ماه رئیس‌جمهور خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی خواستار استرداد این لایحه شد. پزشکبان در نامه خود اینچنین نوشت: در اجرای ماده (۱۳۴) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، استرداد لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت موضوع نامه شماره ۵۷۰/۱۶/۱۲۳۳۱۴ مورخ ۱۳۹۹/۱/۲۴ با توجه به تغییرات اساسی که در ساختار و ماهیت آن در فرایند رسیدگی در مجلس شورای اسلامی صورت گرفته، در جلسه ۱۴۰۴/۲/۱ هیئت وزیران به تصویب رسیده است برای انجام تشریفات قانونی تقدیم می‌شود.

**لایحه حمایت از زنان** بارها نام عوض کرده است! البته فارغ از اینکه نام این لایحه چیست، ضرورت تصویب آن بر کسی پوشیده نیست حالا هم بخشی از دعوا در خصوص ادعای تغییرات ماهوی این لایحه بر سر کم و زیاد شدن واژه‌هاست، مثل حذف واژه خشونت از لایحه مذکور که علی‌اصغر جهانگیر، سخنگوی قوه قضائیه در واکنش به پرسشی درباره تغییراتی در خصوص واژگانی مانند خشونت در متن لایحه مذکور اینگونه توضیح داده است: «وقتی لایحه قضایی به مجلس ارسال می‌شود دولت نمی‌تواند در چارچوب آن لایحه

**محمد بیگی، رئیس فراکسیون زنان و خانواده مجلس: ما در مورد حفظ کرامت و امنیت بانوان نیازمند قوانینی هستیم که ظلم به زن را ویژه‌تر و رسیدگی کند و این قانون واجد این شرایط است اما به لحاظ سیاسی و جناحی یا سلیقه‌ای، دولت با بعضی از بندهای این لایحه موافق نیست، در حالی که این مسئله از اختیارات دولت است که لوایح را به گونه‌ای تغییر دهد که بندهای آن با دین و شرع مطابقت داشته باشد**

هم حقوقدان هستند، حقوقدانان بیرون دستی از بیرون بر آتش دارند، حقوقدانان درون همه ابعاد و اقتضانات را می‌بینند و آمارهایی را که وجود دارد بررسی می‌کنند، در حالی که حقوقدانان بیرون به بسیاری از این آمارها دسترسی ندارند و اطلاعات‌شان ممکن است در همه زمینه‌ها کامل نباشد.»

تغییرات اساسی بدهد و باید عیناً آن را ارسال کند، اما مجلس حق دارد در هر لایحه و طرحی با توجه به نظرات کارشناسی خود دخل و تصرفی در آن داشته باشد و باید از قانون مجلس در صورتی که این قانون تصویب شود و به تأیید شورای نگهبان برسد، تمکین کنیم.»

وی همچنین در پاسخ به پرسش دیگری در زمینه تفاوت حقوقی واژگانی مانند «خشونت» و «سوء رفتار» نیز گفته است: «کسانی که بر قانون نظارت می‌کنند

دادیم و تلاش کردیم علاوه بر پرهیز از تکرار مکررات، نقطه‌زنی کنیم و اهداف مشخص باشند.»

طبق توضیحات وی «جرم‌انگاری ظلم» علیه زنان و تشدید برخی مجازات‌ها مانند مقابله با انواع مزاحمت‌ها برای زنان در محیط کار و خانواده، سوءاستفاده از زنان در انتخاب رفتارهای مجرمانه، ازدواج اجباری، «جرم‌انگاری آزار زنان» در خانواده، فراهم کردن موجبات فرار زن از خانه و زمینه‌سازی خیانت در خانواده از جمله نقاط قوت این لایحه هستند.

لاجوردی تأکید می‌کند: «حدود ۴۰ جلسه کارشناسی در کارگروه زنان و خانواده کمسیون اجتماعی داشتیم و نظرات نمایندگان قوه قضائیه و دولت نیز کامل شنیده شد. در برخی موارد مرتب تأکید می‌کردیم که پیشنهادات خود را به صورت مکتوب بیاورید اما متأسفانه بیشتر دستگاه‌ها از ارائه مکتوبات خودداری کردند.»

**لایحه را پس بگیرند، طرح می‌دهیم**

فاطمه محمدبیگی، رئیس فراکسیون زنان و خانواده مجلس شورای اسلامی هم با اشاره به لایحه حمایت از زنان در برابر خشونت می‌گوید: «طبق قانون، دولت تنها دو ماه فرصت دارد یک لایحه را به طور رسمی مسترد کند.»

این عضو کمیسیون اجتماعی مجلس با تأکید بر اینکه مجلس مسئولیت بیشتری در تصویب رسیده است اما دولت اعلام استرداد کرده است، می‌گوید: «استرداد رسمی این لایحه برای دولت هزینه معنوی به همراه خواهد داشت. این در حالی است که طبق قانون، دولت تنها دو ماه فرصت دارد یک لایحه را به طور رسمی مسترد کند.»

وی تأکید می‌کند: «در صورت عدم توافق نهایی با دولت، طرح مشابهی را در مجلس ارائه خواهیم کرد.»

محمد بیگی با تأکید بر تصویب هر چه سریع‌تر این لایحه در شرایطی که شاهد خشونت علیه زنان هستیم، می‌افزاید: «ها در مورد حفظ کرامت و امنیت بانوان نیازمند قوانینی هستیم که ظلم به زن را ویژه‌تر رسیدگی کند و این قانون واجد این شرایط است اما به لحاظ سیاسی و جناحی یا سلیقه‌ای، دولت با بعضی از بندهای این لایحه موافق نیست، در حالی که این مسئله از اختیارات دولت است که لوایح را به گونه‌ای تغییر دهد که بندهای آن با دین و شرع مطابقت داشته باشد.»

به گفته وی، ۴۰ جلسه رسیدگی به این لایحه با مرکز پژوهش‌ها و نمایندگان دولت برگزار شد و نمایندگان دولت نظرات خود را اعمال کردند اما اینکه بعد از این چند جلسه چنین مسئله‌ای را مطرح می‌کنند، جای سؤال دارد.

محمدبیگی با بیان اینکه در تدوین این قانون تلاش کردیم گریذه‌گویی شود، می‌افزاید: «تجربه نشان می‌دهد قوانین مطول اجرا نمی‌شود، بنابراین ایجاد یکی از ویژگی‌های این لایحه است و تلاش شده فقط بهتر بود دولت در لایحه‌ای که به مجلس فرستاده بود، بازنگری می‌کرد، زیرا در این مدت برخی قوانین تغییر کرده و قوانین دیگری تصویب شده‌اند اما متأسفانه این کار صورت نگرفت و دولت همان متن ۱۳ سال قبل را به مجلس فرستاد، بنابراین در متن لایحه بازنگری انجام

با نامه‌نگاری مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور با محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی استرداد لایحه حمایت از زنان به طور رسمی کلید خورد تا ۱۴ سال پس از طرح این لایحه و در شرایطی که زنان کشورمان با خشونت‌های خانگی و اجتماعی مواجهند، تنها قانون اختصاصی برای حمایت از زنان در برابر خشونت به سرانجام نرسد و زنان با چالش‌های شان در حوزه خشونت‌های خانگی و اجتماعی به حال خود رها شوند. این ماجرا بیش از هر چیز نشان‌دهنده نگاه حزبی و جناحی به مسئله زنان در جامعه است و نشان می‌دهد نگاه دولت به این قانون بیشتر بر مبنای سیاست‌زدگی استوار است و از رویکرد حقوقی و قضایی با فاصله گرفته است.

بدیهی است غلبه چنین نگاهی در مسائل مرتبط با زنان و خانواده موجب می‌شود در نهایت نیازها و چالش‌های واقعی زنان جامعه مغفول بماند و لایحه‌ای که می‌توانست با طرح مصادیق خشونت علیه زنان در جامعه و خانواده، گرهی از مشکلات زنان باز کند و نشانی از تلاش دولت و حکومت برای حمایت از زنان باشد، دوباره به نقطه سر خط باز گردد!

کار کارشناسی برای تدوین و تصویب لایحه‌ای برای کاهش خشونت علیه زنان از حدود ۱۴ سال پیش آغاز شده بود.

نهایتاً در سال ۱۳۹۶ لایحه‌ای با نام «لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت» در معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری تدوین و به قوه قضائیه ارجاع شده بود که پس از تغییر نام آن به «لایحه صیانت، کرامت و تأمین امنیت بانوان در برابر خشونت» و نیز تغییراتی در محتوا، برای ادامه هر مراحل قانونی به دولت ارسال شد.

دولت دوازدهم نیز این لایحه را با تغییراتی دیگر و تحت عنوان «لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت» در ۱۳۹۹/۱۰/۲۴ برای طی تشریفات قانونی به مجلس شورای اسلامی فرستاد.

یک فوریت این لایحه در ۱۲۹ اردیبهشت سال ۱۴۰۰ به تصویب نمایندگان مجلس رسید و از آن زمان تاکنون این لایحه با بررسی‌ها و تغییرات دیگری روبه‌رو شد تا آنکه در بهمن ۱۴۰۱، متن نهایی گزارش کمیسیون اجتماعی مجلس درباره این لایحه منتشر و از آن با عنوان جدید «لایحه پیشگیری از آسیب‌دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوء رفتار» رونمایی شد.

به رغم همه تلاش‌ها و انتظارات، تصویب لایحه در مجلس دوازدهم نیز به سرانجامی نرسید و ماجرا به دولت چهاردهم منتقل شد.

**استرداد حمایت از زنان» نخستین کارنامه کاری دولت چهاردهم**

با روی کار آمدن دولت چهاردهم همه فعالان حوزه زنان و خانواده منتظر بودند ببینند سر نوشت لایحه حمایت از زنان به کی می‌رسد و آیا بعد از ۱۵/۱۵ سال، طرح این لایحه و سیری شدن چند دولت و مجلس، آیا این لایحه لباس قانون بر تن می‌کند و به سرانجام می‌رسد یا خیر! اما در نهایت در شرایطی که خبر تصویب این لایحه در کمیسیون اجتماعی مجلس

سال‌هاست زندگی خانواده‌های ایرانی دستخوش آموزش بلاگرها شده است؛ آموزش‌هایی که علاوه بر بهره‌مندی اقتصادی که برای بلاگرها داشته، تغییراتی را در سبک زندگی خانواده‌های ایرانی به ویژه بانوان و مادران به عنوان رکن اصلی ترسیم کننده سبک زندگی داشته است.

با گسترش فضای مجازی افق‌های نوینی به روی خانواده‌های ایرانی باز و از این طریق تصاویر متعددی مقابل دیدگان خانواده‌ها به تصویر کشیده شد. با توجه به اینکه کارشناسان و فعالان حوزه رسانه و خانواده راهکارهایی را برای استفاده مفید از این پلتفرم ارائه کرده‌اند گاهی اوقات مادران به عنوان اصلی‌ترین مخاطب فضای مجازی و به ویژه اینستاگرام گاهی در چارچوب استفاده صحیح از آنها قرار نمی‌گیرند و به عوارضی اعم از تغییر سبک زندگی و رواج زندگی اینستاگرامی دچار می‌شوند و تغییرات اساسی را در بستر خانه و خانواده به وجود می‌آورند که تنها به سبک تهیه غذا و سرو آن محدود نمی‌شود بلکه شامل خریدهای لوازم خانه، مواد غذایی با برندهای مورد تأیید بلاگرها و خرید لباس کودک می‌شود؛ موضوعی که مسیری سخت، گران و بی‌محتوا را به خانواده‌ها تحمیل می‌کند.

**ایجاد جامعه مصرفی با مصرف‌گرا کردن زنان**

نظام سرمایه‌داری در نگاه خود به زن، او را اینچنین تعریف کرده است که به پهنانه آزادی و مساوات زن و مرد زن نیروی ارزان‌قیمت کاری در راستای تولیدات صنعتی قرار بگیرد و همین‌طور به عنوان بهترین عنصر مصرف کننده کالا‌های صنعتی معرفی شود و با مصرف‌گر کردن زنان و سوق دادن جامعه به یک جامعه مصرفی کالا‌های خود را در بازارهای جهانی به فروش برسانند و بستر اینستاگرام و سبک زندگی القاشده از طریق بلاگرها به زنان و نیز خانواده‌ا این مسیر را برای جامعه جهانی و نظام سرمایه‌داری هموارتر کرده است!

درباره نظر به جامعه صنعتی پیشرفته کتاب «انسان تک‌ساحتی» هربرت مار کوژه به انتقاد بنیادین از جامعه مصرف مدرن پرداخته است. او در آنجا می‌گوید که انسان‌ها با کمک تبلیغات، دستکاری و مغزشویی وادار به مصرف می‌شوند در حالی که پیرامون نیازهای واقعی آنها سکوت می‌شود!

در واقع اینستاگرام و بلاگرها با ترویج مصرف‌گرایی و القای آن به زنان و مادران ایرانی

## قتل‌هایی در وقت اضافه لایحه حمایت از زنان!

**زهرا چیذری**

در شرایطی که با برخی سیاسی‌کاری‌ها لایحه «پیشگیری از آسیب‌دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوء رفتار» در حال بازپس‌گیری بود، دو زن آن هم فقط به فاصله یک ماه به طرز فجیعی به قتل رسیدند. نخستین مورد خانم دکتر زهرا میرزایی، چهره رسانه‌ای و فعال اجتماعی بود که پسرخاله‌اش برای چند گرم طلا او را به قتل رساند تا جامعه را در شوک فرو برد. مورد بعدی اما دختر جوانی به نام الهه حسین‌زاده بود که همین چند روز پیش جسد بی‌جانش پس از دو هفته مفقودی کشف و قاتل او دستگیر شد.

عصر روز یک‌شنبه، چهارم خرداد ۱۴۰۴، الهه مثل همیشه محل کارش را ترک کرد تا به خانه برسد. او با خانواده‌اش تماس گرفت و گفت: «به میدان نماز رسیدیم، به زودی می‌رسم خانه». اما این آخرین پیغامش بود. تلفنش خاموش شد و دیگر کسی از او خبری نداشت، اما ۱۱ روز بعد، خبری هولناک همه را شوکه کرد: جسد الهه در حاشیه تهران پیدا شد. پزشکی قانونی تأیید کرد که او به قتل رسیده است.

قطع به یقین این حوادث از زوایای مختلف قابل تحلیل هستند و دلایل متعددی در شکل‌گیری چنین فجیاعی دخیل است؛ از چالش‌های اقتصادی گرفته تا مسائل فرهنگی و اجتماعی اما فارغ از تمام این عللی که می‌توان برای چنین حوادثی برشمرد، وقوع دو حادثه به فاصله یک ماه و شاید حوادث و وقایع دیگری که اتفاق افتاده اما رسانه‌ای نشده‌اند از یک خلأ جدی در حوزه حمایت از زنان و نبود قوانینی که به اندازه کافی بازدارنده باشند، حکایت دارد؛ ماجری که یک روز پسرخاله زهرا میرزایی را به پهنانه گرفتن مشاوره و باهدف سرقت طلاهای وی به خانه‌شان می‌کشاند و به یک فاجعه قتل منتهی می‌شود و روز دیگر دختر جوانی را در مسیر بازگشت به خانه طعمه فردی می‌کند که با ناکام ماندن در سوءاستفاده از وی او را به قتل می‌رساند و پیکر بی‌جانش را در اطراف شهر رها می‌کند.

حادثه قتل الهه البته با واکنش معاون زنان و خانواده رئیس‌جمهور هم همراه بوده است و وی در یادداشتی در کانال تلگرامی خود ضمن ابراز تأأسف از حادثه، این رخداد را زنگ خطری جدی در خصوص تغییر جرائم به سمت خشونت‌آمیزشدن و نشانه‌ای نگران‌کننده از کاستی‌های عمیق در تأمین امنیت اجتماعی شهرنودان در فضاهای عمومی دانسته است. وی از تدوین دستورالعمل «شهر امن و دوستدار خانواده» برای ارتقای امنیت از طریق اصلاح زیرساخت‌های شهری و روستایی خبر داده و در خصوص لایحه «تأمین امنیت

زنان در برابر خشونت» یک بار دیگر با تأکید بر اینکه این لایحه در کمیسیون مجلس دچار استخاله و دولت ناگزیر به استرداد آن شد، گفته است: «بلافاصله تدوین یک برنامه جامع و عملیاتی برای پیشگیری از خشونت را در حوزه اختیارات دولت و با هماهنگی معاون محترم اول رئیس‌جمهور، در دستور کار قرار دادیم. این برنامه با هدف پیشگیری از بروز خشونت، حمایت مؤثر از افراد خشونت‌دیده و ارتقای سطح آگاهی و مسئولیت‌پذیری در جامعه، با مشارکت دستگاه‌های تخصصی و صاحب‌نظران در حال تدوین است.»

با تمام این‌ها سؤال اصلی این است که کدام یک از قوانین کشور مسیری ۱۴ساله را برای تصویب طی کرده است؟ آیا همین مسیر طولانی‌نشانه‌ای از غلبه نگاه‌های سیاسی و جناحی بر نگاه تخصصی و کارشناسی نیست؟ از سوی دیگر هر قانونی بعد از تصویب، ابلاغ و اجرا می‌شود اما چالش‌هایی همراه شود و فلسفه متمم‌ها و آیین‌نامه‌ها و تبصره‌هایی که بعدها بر قوانین افزوده می‌شوند نیز همین است. با این اوصاف حتی با فرض استحاله قانون مذکور بهتر نبود دولت اجازه می‌داد این قانون به سرانجام برسد و ایرادات احتمالی در ادامه از طریق تبصره و متمم‌ها حل و فصل شود؟

و سؤال آخر اینکه چند زن و دختر دیگر باید قربانی شوند تا لایحه حمایت از زنان به سرانجام برسد؟

## مادران غرق در اینستاگرام

**بستر اینستاگرام و سبک زندگی القاشده از طریق بلاگرها به زنان و نیز خانواده‌ها مسیر مصرف‌گرایی را برای جامعه جهانی و نظام سرمایه‌داری هموارتر کرده است!**

صنعت پزشکی از آن یاد می‌شود موجب عمل‌های زیبایی در قالب جراحی‌های بینی، فک و صورت و تناسب اندام در قالب جراحی‌های اسلیو و لیپوساکشن می‌شود. الگوهای زن امروزی که از سوی فضای مجازی خصوصاً اینستاگرام معرفی شده هزینه‌های زیادی را بر خانواده مترتب ساخته و دست‌آورد دیگر این فضا تردد در سالن‌های آرایشی و صرف هزینه‌های هنگفتی است که برای ارضای نیاز رقابت‌آفرینی و خودکامل‌پنداری می‌پردازند!

دامن زدن به این نوع نگرش و سبک زندگی در پی تحقق نگاه غربی در قالب نظام سرمایه‌داری است که زن را ابزار جهت تبلیغ کالا‌های مصرفی و صنعتی و نیز پرداخت‌کننده هزینه‌های گزاف برای این زندگی مصرف‌گرا می‌داند.

هربرت مارکوز «جامعه‌شناس آلمانی» می‌گوید: مردم خودشان را از طریق کالا‌هایی که مصرف می‌کنند، معرفی می‌کنند که بهترین مسیر برای این معرفی فضای مجازی است!

**هم تهدید و هم فرصت**

می‌توان گفت فضای مجازی تهدیدی است که می‌تواند فرصت‌ساز هم باشد! حضور در شبکه‌های اجتماعی هم چالش‌ها و هم ظرفیت‌هایی را ایجاد کرده است. مواردی وجود دارد که افراد توانسته‌اند از ظرفیت شبکه اجتماعی استفاده و اقتصاد خانواده را تأمین و دهند. افرادی که در این صحنه فعالیت می‌کنند و کار اقتصادی انجام می‌دهند و به درآمد خانواده کمک می‌کنند، چیزی است که در گذشته وجود نداشت!

در گذشته مثلاً خانمی در خانه کار اقتصادی انجام می‌داد اما اینکه بتواند در مسافت‌های طولانی کالا‌یی را تولید کند و در معرض نمایش بگذارد و معامله انجام دهد، پدیده جدیدی است که می‌توان آن را جزو ظرفیت‌های این فضا محسوب کرد.

علاوه بر این فضای مجازی بستتری جدید برای آموزش است. آموزش آنلاین سبک جدیدی از آموزش دسترسی به استادان برجسته را برای مخاطبان دغدغه‌مند بدون صرف هزینه‌های متعدد مالی و زمانی زیاد فراهم می‌کند که مؤثر بوده است. اینچنین با بهره‌گیری از نقاط مثبت فعالیت در این محیط، می‌توانیم به ارتقای زندگی‌های‌مان چه در سطح اقتصادی، چه خانوادگی و چه علمی کمک‌های شایانی کنیم.



تنظیم‌کننده که فرزندپروری دچار مشکل نشود و نیز نقش‌هایی را که در خانه دارند به خوبی و بدون چالش به مخاطب نشان می‌دهند؛ مادرانی که شافلند، چند فرزندی هستند، تحصیلات عالی‌ه دارند و فعال اجتماعی هستند، به عنوان الگوهای جدیدی معرفی می‌شوند، بدون اینکه به اضطراب‌ها و بیماری‌های جسمی و روحی که پیامد اینچنین نمایشی از ابرامادر بودن است اشاره کنند! این مسئله می‌تواند پیامد دیگری را برای مخاطب زن و مادر که در امر مقایسه قرار می‌گیرد رقم‌بزند و آن عدم‌اعتمادبه‌نفس و عزت نفس است.

**تحقق رؤیاهای نمایشی با فشار مضاعف به مادر**

خانواده‌ها و در رأس آن بانوان و مادران برای تحقق رؤیاهای خود و نمایش بهترین خود به مخاطبان‌شان دست به مکانیسم‌های جبرانی می‌زنند، با تحت فشار قرار دادن خود و خانواده‌شان به این سمت و سو که باید از خود بهترین زندگی و بهترین استایل از لحاظ زیبایی و تناسب اندام با تعاریف اینستاگرامی و همین‌طور بهترین فرزند از لحاظ هوشمندی و زیبایی مجازی پسند برخوردار باشند.

بهرمندی از این ویژگی‌ها که به برخی از آنها اشاره شد فرد را به سمت مصرف‌گرایی و مصرف‌زدگی سوق می‌دهد تا جایی که علم دردزای پزشکی که این روزها با عنوان